

## اندیشه سیاسی کوفیان که منجر به شهادت امام حسین علیه السلام شد

۵ اصل و پایه اندیشه سیاسی جامعه زمان امام حسین علیه السلام که باعث شهادت امام حسین سلام الله علیه شد

۱- بیعت کردن با هر حاکمی واجب است.

۲- اطاعت بی چون و چرا از هر حاکمی واجب است.

۳- عدم تفرقه در جامعه ولو اینکه حاکم هر کاری انجام دهد.

۴- عقیده به جبر.

۵- خروج بر حاکم مساوی با مرگ جاهلیت و کفر.

بیعت با هر حاکمی واجب است

وحدثني محمد بن سهل بن عسكر التميمي حدثنا يحيى بن حسان ح وحدثنا عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي أخبرنا يحيى وهو بن حسان حدثنا معاوية يعقوب بن سلام حدثنا زيد بن سلام عن أبي سلام قال قال حذيفة بن اليمان قلت يا رسول الله إنا كنا بشرّ فجاء الله بخير فنحن فيه فهل من وراء هذا الخير شرّ قال نعم قلت هل وراء ذلك الشرّ خير قال نعم قلت فهل وراء ذلك الخير شرّ قال نعم قلت كيف قال يكون بعدي أئمة لا يهتدون بهدائي ولا يستنون بسنتي وسيقوم فيهم رجال قلوبهم قلوب الشياطين في جثمان إنس قال قلت كيف أضغ يا رسول الله إن أدركت ذلك قال تسمع وتطيع للأمير وإن ضرب ظهرك وأخذ مالك فاسمع وأطع .

از ابو سلام نقل شده حذيفة بن يمان گفت: ای رسول خدا ما در شر و بدی بودیم سپس خداوند خیر و خوبی را آورد و ما الان در آن هستیم. آیا پس از این خیر، شری خواهد بود؟ فرمود: بله. گفتم: آیا پس از این خیر شری خواهد بود؟ فرمود: بله. عرض کردم: چگونه؟ فرمود: پس از من امامانی خواهند بود که به هدایتم هدایت نشده و به سنتم عمل نمی کنند، در میانشان مردانی سر

بلند خواهند کرد که در بدن انسان هستند اما قلب هایشان قلب شیاطین است. گفت: عرض کردم: اگر آن هنگام را درک کردم، چه واکنشی نشان بدهم ای رسول خدا صلی الله علیه و آله؟ فرمود: گوش فرا می دهی و از امیر اطاعت می نمایی و اگر چه بر پشتت شلاق بزند و مالت را بگیرد، گوش کن و اطاعت نما!.

النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ص ۷۷۲، ح ۱۸۴۷، ناشر: بیت الأفكار الدولية - ریاض.

بر اساس این نظریه:

۱- اطاعت از هر حاکمی واجب است حتی اگر تمام وجودش شیطانی باشد.

۲- ظلم ستیزی ممنوع است.

۳- در مقابل ظلم باید کرنش نمود و فقط اطاعت کرد.

اطاعت بی چون و چرا از هر حاکمی

۵۴ - أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ، قَالَ: أَنْبَأَ وَكَيْعٌ، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْأَعْلَى، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ، قَالَ: قَالَ لِي عُمَرُ: " يَا أَبَا أُمَيَّةَ، إِنِّي لَا أَدْرِي، لَعَلِّي لَا أَلْقَاكَ بَعْدَ عَامِي هَذَا، فَإِنْ أَمَرَ عَلَيْكَ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ مُجَدِّعٌ فَاسْمَعْ لَهُ وَأَطِعْ، وَإِنْ ضَرَبَكَ فَاصْبِرْ، وَإِنْ حَرَمَكَ فَاصْبِرْ، وَإِنْ أَرَادَ أَمْرًا يُنْقِصُ دِينَكَ، فَقُلْ: سَمِعًا وَطَاعَةً، دَمِي دُونَ دِينِي، وَلَا تُفَارِقِ الْجَمَاعَةَ ".

از سوید بن غفلة نقل شده که عمر به من گفت: ای ابا امیه من نمی دانم، شاید پس از این سال، دیگر تو را نبینم؛ پس اگر برده ای حبشی و بینی بریده به تو دستوری داد، پس به حرفش گوش کن و اطاعتش نما! و اگر تو را زد، صبر کن و اگر محروم کرد، صبر کن و اگر او چیزی را خواست که به دینت صدمه می زند به او بگو گوش کردم و اطاعت می کنم و به قیمت دینم، خونم را حفظ می کنم! و از جماعت جدا مشو.

سند این روایت از عمر صحیح است.

الخلال، أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد (متوفای ۳۱۱ هـ)، السنة، ص ۱۱۱، تحقیق: د. عطية الزهراني، دار النشر: دار الراية - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰هـ - ۱۹۸۹م.

۱- حاکم هرکسی میتواند باشد.

۲- اطاعت از او بی چون و چرا واجب است هر چند برخلاف دستورات اسلام حکم کند .

عدم تفرقه در جامعه اگر چه حاکم هر کاری بکند هر کسی ایجاد تفرقه کرد گردنش را بزنی

بَابُ حُكْمٍ مِنْ فَرَقَ أَمْرَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ مُجْتَمِعٌ

۱۸۵۲ حدیثی ابو بکر بن نافع و محمد بن بشار قال بن نافع حدثنا عندنا وقال بن بشار حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة عن زياد بن علاقة قال سمعت عرفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إنه ستكون هنأت وهنأت فمن أراذ أن يفرق أمر هذه الأمة وهي جميع فاضربوه بالسيف كائنا من كان.

۱۸۵۲ وحدیثی عثمان بن ابي شيبه حدثنا يونس بن ابي يعفور عن ابيه عن عرفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من أتاكم وأمركم جميع على رجل واحد يريد أن يشق عصاكم أو يفرق جماعتكم فاقتلوه.

۱۴- باب کسی که کار مسلمانان را به تفرقه بکشد در حالی که اجتماع نظر داشتند :

از زیاد بن علاقة نقل شده: از عرفجة شنیدم که می گفت: از پیامبر خدا صلى الله عليه و آله شنیدم : شرور و فسادهایی خواهد آمد پس [در این هنگام] هر کس را که خواست کار این امت را به تفرقه بکشد، در حالی که امت متحد است، او را با شمشیر بزنی ، هر کس که می خواهد باشد!

ابن ابی یعفور از پدرش از عرفجة نقل کرده که گفت: از پیامبر خدا صلى الله عليه و آله شنیدم که می فرمود: در حالی که حکومتان بر اساس اتحاد است و بر یک مرد مستقر شده است، اگر کسی آمد و خواست که میان آنان تفرقه بیندازد یا اتحادات را به پراکندگی بکشد، او را بکشید!

**النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحيح مسلم، ص ۷۷۳ و ۷۷۴ ، ح ۱۸۵۲، ناشر: بيت الأفكار الدولية - رياض.**

ابن اعثم کوفی در الفتوح می نویسد:

يا عبد الله عهدي بك و أنت تكره الفرقة وتقول: ما أحب أن أبيت ليلة وليس على أمير، وإنى أحذر أن تشق العصا أو أن تسعى في الأرض الفساد... و قد حذرتني الشقاق ولم أكن شاقا لأحد غير

أني سمعتك تذكر بيعة قد سبقت وعهدا قد أكد وليس لك عندي خلاف، فإذا اجتمع الناس على ابنك يزيد لم أخالف.

... سپس عبد الرحمن بن ابی بکر با عصبانیت به منزلش رفت و معاویه نزد او فرستاد و دعوتش کرد و گفت: ای عبد الله وصیتم به تو که از تفرقه بدت می آید و می گویی که دوست ندارم شبی بر من بگذرد و امیری نداشته باشم، این است که تو را از ایجاد اختلاف یا این که تلاش کنی در زمین فساد کنی، بر حذر می دارم.

... عبد الله پاسخ داد: مرا از تفرقه بر حذر داشتی و من بر کسی سبب مشقت نشده ام جز این که شنیدم که از بیعتی یاد می کنی که گذشته است و از پیمانی یاد می کنی که محکم شده است و من از تو خلافی سراغ ندارم و اگر مردم بر خلافت پسرت يزيد اجتماع کنند، مخالفت نخواهم کرد.

الكوفي، أبي محمد أحمد بن أعثم (متوفى ٣١٤هـ)، كتاب الفتوح، ج٤، ص٣٤٠، تحقيق: علي شيري (ماجستير في التاريخ الإسلامي)، ناشر: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ.

بر اساس نظریه :

١- حاکم بودن فرد مهم است و مهم نیست چکار می کند.

٢- خروج بر او مصداق فساد در زمین است = مفسد فی الارض (حتی اگر يزيد خلیفه باشد)

٣- هر کسی بر چنین حاکمی خروج کرد باید کشته شود حتی اگر امام حسین علیه السلام باشد.

عقیده به جبر و فهم غلط از قضا و قدر

أنت - والله يا أم المؤمنين - العالمة بالله وبرسوله، دللتنا على الحق، وحضتتنا على حظ أنفسنا، وأنت أهل لان يطاع أمرك، ويسمع قولك، وإن أمر يزيد قضاء من القضاء، وليس للعباد الخيرة من أمرهم.

... سپس معاویه گفت: به خدا قسم تو ای ام المومنین آگاه به خداوند و پیامبرش هستی و ما را به حق هدایت کردی و ما را بر گرفتن سهمان تحریک کردید و تو شایستگی داری که دستورت

اطاعت و سخت شنیده شود و حکومت یزید قضای حتمی و مقدر الهی است و مردم نقشی در تعیین امرشان ندارند (اختیار تغییرش را ندارند).

**الدینوری، ابومحمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة (متوفای ۲۷۶هـ)، الإمامة والسیاسة، تحقیق: علی شیری، ج ۱، ص ۲۰۵، ناشر: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - ۱۴۱۰هـ - ۱۹۹۰م.**

**بر اساس نظریه :**

۱- یزید بر اساس اراده خاص و تغییر ناپذیر الهی خلیفه شده است.

۲- مردم به هیچ عنوان حق اعتراض ندارند حتی اگر یزید هر جرمی مرتکب شده یا بشود و لیاقت حکومت نداشته باشد. (شرابخواری، سگ بازی، میمون بازی، زنا، با محارم، ترک نماز)

**خروج بر حاکم مساوی با مرگ جاهلیت و کفر**

۶۶۴۵ حدثنا مُسَدَّدٌ عن عبد الوارث عن الجعد عن أبي رجاء عن بن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من كره من أميره شيئاً فليضرب فإنه من خرج من السلطان شبراً مات ميتة جاهليّة .  
باب فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: پس از من کارهایی را خواهید دید که آن را انکار کرده و نمی شناسید.

از ابن عباس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: هر کس از کار امیری بدش بیاید، باید صبر کند؛ زیرا هر کسی از اطاعت سلطان، وجبی خارج شود، به مرگ کفر و جاهلیت مرده است!.

**البخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، تحقیق: أبو صهب الكرمی، ناشر: بیت الأفكار الدولية - ریاض.**

## بر اساس نظريه :

۱- اگر کسی از سلطان به هر دليلی بدش بيايد (حتي اگر سلطان ظالم باشد) ، بايد صبر کند و حق اعتراض ندارد.

۲- در همه حال بايد مطيع سلطان باشد.

۳- عدم اطاعت از چنين حاکمي، کفر محسوب مي شود (و مستحق مرگ).

و بر اساس همين نظريات بود که امام حسين عليه السلام را به شهادت رساندند و با قصد تقرب به خدا ايشان را آماج ضربات شمشير و نیزه و تير و سنگ قرار مي داند و اهل بيت عليهم السلام را خارجي خواندند.

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

[سوره هود، آيه ۱۸]

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ».

[سوره الشعراء، آيه ۲۲۷]